

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۸ مارچ ۲۰۲۰

## دلایل مسافرت "مایک پمپئو" به کابل!

۵

جمعه ۰۸- حمل ۱۳۹۹- کابل:

۵ - حل اختلافات انتخاباتی باند های قدرت:

به ادامه گذشته:

ت - نکته دیگری که پایه و اساس این اختلاف را شکل داده و نمی گذارد، هر دو طرف از "خرجهل" شان پائین بیایند برخورد های متقابلانه و غیر صادقانه امپریالیسم امریکا نسبت به افغانستان در کل و نسبت به "غنی احمدزی" و "عبدالله عبدالمود" به صورت خاص می باشد.

یعنی از زمانی که امپریالیسم امریکا درب معانقه و معاشقه با طالب را به وسیله "زلمی خلیل زاد" باز نمود، از همان زمان کاملاً روشن بود که امپریالیسم امریکا در صدد است تا طالب را حد اقل چنان در قدرت سهیم سازد، که بر یک ثلث و یا هم نصف و بیشتر از نصف افغانستان حاکمیت نمایند، حاکمیت کابل متشکل از هر دو جناح را تب لرزه مرگ فرا گرفته، هریک به نحوی خواستند تا نخست جایگاه شان را در برنامه های آینده امپریالیسم امریکا تثبیت نمایند و در ثانی و بعد از درک جایگاه، برای رسیدن به آن گامهایی را بردارند.

به همین اساس همه شاهد بودیم که تحرک عظیمی در درون تمام طیف های اسلام سیاسی رو نما گردیده، همه در تلاش افتادند تا علی رغم جنگهای گذشته با طالب دم از "اخوت اسلامی" بزنند. همزمان با آن جواسیس تکنوکرات که می دیدند در این سهم بخشی نه تنها ممکن است سر آنها بی کلا بماند، بلکه ممکن است تن آنها نیز بی سر شود، با حل اختلافات درونی شان همه به دور "غنی احمدزی" جمع شده، از طریق برگزاری یک انتخابات رسوا که نمونه آن در کل تاریخ افغانستان سابقه نداشت، برای شان جایگاه و متناسب با آن نقشی در حاکمیت آینده تدارک دیدند.

این تدارکات که کلاً در خط قبلی و ستراتیژیک امپریالیسم امریکا در مقطع کنونی که تقسیم افغانستان به سه واحد مجزا باشد، قرار داشت علی رغم آن که گاه گاهی برخی از مقامات امریکا با آنها ابراز مخالفت می نمود، یعنی یکی از نزدیکی های اسلام سیاسی با طالب در نقاط مختلف جهان ابراز ناراحتی می نمود و آن دیگری با اولویت بخشیدن به پروسه صلح تلویحاً با برگزاری انتخابات مخالفت می ورزید، اما عملاً امپریالیسم امریکا در هر سه مورد یعنی هم نزدیکی خودش با طالب، هم نزدیکی طالب با اسلام سیاسی و هم برگزاری انتخابات از هیچ نوع کمکی خودداری نورزید.

در نتیجه ضمن آن که خودش با طالب عقد و پیمان امضاء نمود، تقریباً آحاد اسلام سیاسی را همراه با حزب جنبش به دم خر "عبدالله عبدالمود" بست، انتخابات کذائی را نیز با همان نتایج مقتضحاته اش برگزار نموده، بستر و زمینه تقسیم افغانستان را به سه واحد اداری آماده ساخت.

هموطنان گرامی!

تضادها و کمکش هائی که امروز بین "غنی احمدزی" و "عبدالمود" و "طالب" به نظر می رسد و هر آن امکان تشدید و خونریزی های بیشتری را به بیننده به نمایش می گذارد، نه بر خاسته از انحصار طلبی و خود خواهی "غنی احمدزی" است و نه هم از اضافه خواهی و یا تجزیه طلبی "عبدالمود" و "دوستم". بلکه واقعیت قضیه این است که سیاست های امپریالیسم امریکا بسیار هدفمندانه و آگاهانه افشار وابسته به خودش را یعنی هم قشر تازه شکل گرفته "جواسیس تکنوکرات" را و هم قشر وسیع نواله خوران سابقش را که تمام طیف های اسلام سیاسی را در بر می گیرد، در موقعیتی سوق داده است که آنها می باید آخرین پرده نمایش را خود اجراء نمایند.

یعنی سیاست های غیر صادقانه و کج دار و مریز امپریالیسم امریکاست که از یک سو، "غنی احمدزی" را بر "خرجهل" سوار نموده و از جانب دیگر "عبدالمود" و شرکاء را تحریک می نمایند تا کوتاه نیامده به مانند وی، عربده کشی نمایند.

هموطنان گرامی!

به نظر من دلیل اصلی و علت العلل آمدن "پمئو" به افغانستان، تسجیل و علنی ساختن همین وضعیتی بود که خودشان در طی دهه ها مقدمات آن را فراهم نموده بودند. علی رغم آن که خود آنها این تخم خبیثه را غرس نموده بودند، نمی خواستند، مسؤولیت آن را به گردن گیرند. از همین رو هم بود که "بایدن" صریحاً اعلام داشت که افغانستان "یکی شدنی" نیست. او این حرف را بدان خاطر نزد تا دیدش را نسبت به افغانستان بیان دارد بلکه در عقب آن خواست امپریالیسم امریکا را از پرده بیرون انداخت که افغانستان "یکی ماندنی" نیست.

هموطنان گرامی!

بیانید ضمن آن که خودکوشا باشیم تا در این دام ننگین که تجزیه افغانستان را در بطنش دارد، نیفتیم؛ تلاش بورزیم به مردم نیز آگاهی داده دشمنان وحدت و یکپارچگی افغانستان با استواری تمام افشاء نمائیم و برای حفظ وحدت و یکپارچگی افغانستان و به مثابه مقدمه و شرط لازم آن، دولت دست نشانده را از اریکه قدرت به زیر کشیم. این را باید بدانیم که حفظ افغانستان و رسیدن به آزادی کشور و بهروزی مردم آن می تواند از راه نابودی دولت دست نشانده و قطع مناسبات استعماری- ارتجاعی در افغانستان قابل پیمودن باشد.

**سرکها ما را می طلبد!**